

کد سایت fa48905 کد بایگانی 60167 نمایه خوش‌گمانی و بدگمانی نسبت به خدا

طبقه بندی موضوعی گناه و رذائل اخلاقی، خداشناسی

برچسب خداوند آثار بدگمانی سوء ظن حسن ظن گمان نیک

خلاصه پرسش

معنای خوش‌گمانی و بدگمانی نسبت به خدا چیست و چگونه می‌توانیم بدگمانی خود به خدا را برطرف کنیم؟

پرسش

منظور از حدیث زیر که درباره گمان بندگان نسبت به خدا آمده، چیست؟ «من با بنده‌ام به همان گمانی که به من دارد، رفتار می‌کنم؛ اگر گمان نیک دارد، به نیکی و اگر گمان بد دارد، به بدی رفتار می‌کنم». چکار کنیم که همیشه بتوانیم به خداوند گمان نیک داشته باشیم؟ حقیقت چه موضوعی را باید درک کنیم تا بتوانیم به خداوند گمان نیک داشته باشیم؟ خوش‌گمانی چیست؟ خوش‌گمانی را ممکن است با چه مفهومی جا به جا بگیریم؟ از کجا بدانیم که خوش‌گمانیمان منطقی و عقلانی است؟

پاسخ اجمالی

آیاتی از قرآن، گمان بد به پروردگار را نکوهش کرده است. [1] روایاتی نیز به موضوع گمان نیک و بد بندگان نسبت به خدای تعالی پرداخته است:

امام علی(ع): «هر کسی به خدا گمان نیک بُرد، به بهشت دست یافت و هر کسی به دنیا گمان نیک بُرد، به رنج و محنت گرفتار آمد». [2]

امام صادق(ع): روز قیامت، بنده‌ای را که به خویشتن ستم کرده است، می‌آورند و خدای بلندمرتبه به او می‌فرماید: «آیا فرمانت ندادم که از من اطاعت کنی؟ آیا تو را از نافرمانی‌ام نهی نکردم؟».

او می‌گوید: چرا، ای پروردگار من؛ اما شهوتم بر من چیره آمد. پس اگر مرا عذاب کنی، به سبب گناه خود من است و تو به من ستم نکرده‌ای.

خداوند، دستور دهد که او را به دوزخ برند. بنده می‌گوید: گمان من به تو، این نبود!

خداوند می‌فرماید: «گمان تو به من، چه بود؟»

بنده می‌گوید: نیکوترین گمان را به تو داشتم. پس خداوند، دستور می‌دهد که او را به بهشت ببرند و می‌فرماید: «گمان نیک تو به من، اکنون به دادت رسید». [3]

امام رضا(ع): «به خداوند گمان نیک ببر؛ زیرا خدای عزّ و جلّ می‌فرماید: من نزد گمان بنده مؤمن خویشم؛ اگر گمان او به من نیک باشد، مطابق آن گمان با او رفتار کنم و اگر بد باشد نیز مطابق همان گمان بد با او عمل کنم». [4]

معنای خوش‌گمانی و بدگمانی به خدا

به‌طور خلاصه؛ خوش‌گمانی به خدا؛ یعنی امیدوار به رحمت او بودن و بدگمانی نسبت به خداوند؛ یعنی ناامیدی از رحمت خداوند. انسان، باید از عذاب الهی، بیمناک باشد، ولی نباید از رحمت خدا، مأیوس گردد، او باید به وظایف خود، عمل کند، خلوص نیت داشته باشد، از گناهانش بترسد، و در عین حال، به عفو و بخشش پروردگار، امیدوار باشد:

امام علی(ع): «خوش‌گمانی [به خدا] این است که عمل را [برای او] خالص گردانی و امیدوار باشی که خداوند از لغزش‌ها

امام صادق(ع): «خوش گمانی به خدا این است که جز به خدا امید نداشته باشی و جز از گناهت نترسی». [6]
 علامه مجلسی(ره) در توضیح خوش گمانی و بدگمانی به خدا می گوید: «کسی که دارای کردار نیک باشد، قطعاً دارای گمان نیک به خدا نیز خواهد بود و کسی که به کردارهای زشت آلوده است، حتماً به خدا نیز بدگمان است». [7]

آثار بدگمانی به خداوند

بدگمانی نسبت به خداوند و وعده‌های او آثار مخربی در بنیان ایمان و عقائد انسان دارد؛ در این‌جا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

1. کاری ناپسند و کفرآمیز: خدای متعال در قرآن می‌فرماید: «از رحمت خدا مأیوس نشوید که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می‌شوند!». [8]

پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: «داود(ع) در مناجاتش می‌گفت: پروردگارا! کسی که تو را بشناسد اما به تو خوش‌گمان نباشد در حقیقت ایمان نیاورده است». [9]

2. **قبول نشدن عبادت:** بدگمانی به وعده‌های الهی سبب فساد(قبول نشدن) عبادت می‌گردد، چرا که روح اخلاص را در انسان می‌میراند؛ از این‌رو امام علی(ع) می‌فرماید: «بدگمانی، عبادت را فاسد میکند». [10]

3. **ناتوانی در برابر مشکلات:** بدگمانی به وعده‌های الهی، انسان را در برابر حوادث سخت و پیچیده، سست و ناتوان می‌سازد، همان‌گونه که در برخی نبردها - مانند جنگ احزاب - گروهی از تازه‌مسلمانان، نسبت به وعده‌های خدا بدگمان شده و به دنبال آن در مبارزه با دشمن سست گشتند، در حالی‌که مؤمنان راستین و با معرفت که به پروردگارشان خوش‌گمان بودند، با کمال قدرت و امیدواری در برابر دشمنان ایستاده و پیروز شدند: «[به خاطر بیاورید] زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین [شهر] بر شما وارد شدند [و مدینه را محاصره کردند] و زمانی را که چشم‌ها از شدت وحشت خیره شده و جان‌ها به لب رسیده بود، و گمان‌های گوناگون بدی به خدا می‌بردید». [11]

4. **محروم شدن از عنایات الهی:** بدگمانی نسبت به خدا، انسان را از عنایات الهی محروم می‌کند؛ زیرا - براساس روایات اول پاسخ- خداوند با هرکس، مطابق خوش‌گمانی و بدگمانی او رفتار می‌نماید.

راه‌های درمان بدگمانی

الف. برای برطرف کردن بدگمانی نسبت به پروردگار؛ نخست باید سراغ اصول کلی حاکم بر درمان بیماری‌های اخلاقی رفت که همان اندیشیدن در آثار نکبت بار آنهاست؛ زیرا هنگامی که انسان به پیامدهای بدگمانی بیندیشد، که چگونه سرمایه اعتقادی او را از بین برده و آرامش روانی او را تهدید کرده و او را از واقعیت‌ها غافل می‌سازد؛ خواه ناخواه از این خوی زشت و رذیله اخلاقی فاصله می‌گیرد، همان‌گونه که آگاهی به مسموم بودن غذا، سبب فاصله گرفتن از آن می‌شود.

ب. جست‌وجوی توجیهی صحیح برای اتفاقاتی که احیاناً سبب بدگمانی انسان به خداوند شده است، کمکی برای برطرف کردن آن خواهد بود؛ چراکه تعدادی از این حوادث، امتحانات الهی است که واقعیتی در زندگی مادی انسان‌ها بوده و با واقعیت باید کنار آمد و گمان نیک به خداوند داشت؛ زیرا این امتحانات برای پیشرفت معنوی انسان‌ها است. تعداد دیگری از حوادث نیز پیامد کارهای ناشایست انسان است که به جای بدگمانی به خدا، روش صحیح آن است که انسان از اعمال ناپسند و گناه خویش توبه نموده و در صدد جبران آن برآید.

ج. ترتیب اثر ندادن به بدگمانی نسبت به خدا نیز یکی دیگر از طرق درمان آن است؛ زیرا اگر انسان این حالت پیش‌آمده نفسانی را دنباله‌گیری نکند و با بی‌اعتنایی از آن وسوسه‌ها فاصله گیرد، تدریجاً این حالت بدگمانی ضعیف و محو می‌گردد. این روش در بدگمانی به برادران دینی نیز کارساز است و به همین دلیل در روایتی به صورت قاعده‌ای کلی می‌خوانیم: «اِذَا طَنَنْتُمْ فَلَا تَحَقَّقُوا»؛ [12] هنگامی که گمان بد بردید، به آن ترتیب اثر ندهید.

کوتاه سخن این‌که؛ اگر انسان، طالب آرامش و استقامت و ایستادگی و جلب عنایات پروردگار و ایمان خالص است، باید نسبت به خداوند و وعده‌های او - از جمله عفو و گذشت در صورت توبه واقعی - گمان نیک داشته باشد.

برای آگاهی بیشتر از پاسخ موارد مطرح شده در پرسش نمایه‌های زیر را مطالعه کنید:

-
- [1]. از جمله، فتح، 6 و 12.
- [2]. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص 641، قم، دار الکتب الإسلامی، چاپ دوم، 1410ق.
- [3]. برقی، احمد بن محمد بن خالد، محاسن، ج 1، ص 25 - 26، قم، دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم، 1371ق.
- [4]. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج 2، ص 72، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، 1407ق.
- [5]. لیثی واسطی، علی، عیون الحکم و المواعظ، ص 229، قم، دار الحدیث، چاپ اول، 1376ش.
- [6]. کافی، ج 2، ص 72.
- [7]. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 67، ص 366، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، 1403ق.
- [8]. یوسف، 87.
- [9]. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص 36، نجف، المكتبة الحیدریة، چاپ دوم، 1385ق.
- [10]. عیون الحکم و المواعظ، ص 99.
- [11]. احزاب، 10.
- [12]. ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ج 19، ص 374، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفی، چاپ اول، 1404ق.